



بررسی مدیریت بحران اقتصادی در قرآن با تأکید بر سیره عملی

حضرت یوسف (ع)

قربانعلی کاظمی^۱

دریافت: ۱۴۱-۹-۲۴

پذیرش: ۱۴۰۱-۱۰-۲۶

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی چگونگی مدیریت بحران اقتصادی در قرآن کریم با تأکید بر سیره عملی حضرت یوسف (ع)، می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، با روش تحلیل اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. با استفاده از آیات و روایات مربوط به موضوع پژوهش و با استفاده از نظر مفسران بزرگ شیعه و سنی، به تحلیل و بررسی شیوه عملیاتی حضرت یوسف (ع) در مقابله با گذر از بحران اقتصادی پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اولاً نگاه قرآن، درباره شیوه مدیریت بحران‌ها به خصوص بحران‌های اقتصادی، دارای معیارها و اصولی خاصی است که رعایت آن می‌تواند عبور از مراحل بحران را تسهیل، هزینه‌ها و خسارات را به حداقل برساند. ثانیاً سیر عملی حضرت یوسف (ع)، به عنوان مدیر دین‌مدار که برای اجرای مدیریت بحران اقتصادی (بحران خشک‌سالی) و پیامدهای آن در دوران خودپرداخت؛ ترسیم‌کننده بنیان‌های نظری راهبردی توحید محور است که می‌تواند به عنوان یک الگوی جامع در مدیریت بحران، و چگونگی عبور از آن بهره برد. مدل مدیریت بحران در سیره حضرت یوسف (ع) دارای مراحل قبل، حین و پس از بحران را همراه با ویژگی‌های برجسته آن حضرت نشان می‌دهد.

کلیدواژه: قرآن، مدیریت، بحران، اقتصاد، بحران اقتصادی، حضرت یوسف.

^۱ دانشجوی دکترای قرآن و علوم، گرایش مدیریت، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی.

بحران، واقعیتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی اجتماعی است، به‌گونه‌ای که بشریت از آغاز خلقت، همواره در معرض انواع بلاها و بحران‌ها بوده است. از این‌رو، موضوع مدیریت بحران در حوزه‌های مختلف همیشه مطرح بوده است. رهبران و مدیران جوامع و سازمان‌ها، برای کاهش سطح مخاطرات و عبور از این بحران‌ها، دائم در تلاش بوده است که با مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی دقیق، مراحل بحران را پشت سر بگذارند و با استفاده مطلوب از دانش و تجربیات خود و امکانات موجود با حداقل هزینه، بحران‌ها را کنترل و مدیریت کنند. قرآن کریم به دانش مدیریت و به‌ویژه مدیریت بحران، توجه خاصی دارد. چراکه مدیریت در هر سطحی که باشد و هر گستره‌ای را که تحت پوشش قرار دهد، به‌خاطر آنکه سرنوشت یک جامعه یا سازمان یا گروه‌های کاری را تعیین می‌کند، از ضرورت و اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ زیرا نحوه مدیریت و اجرای آن می‌تواند موجب رشد و توسعه یک جامعه و سازمان و یا شکست و عقب‌ماندگی آن شود. از همین روست که قرآن کریم با ظرافت و مهارت خاص از سلسله تدابیر مدیریتی حضرت یوسف (ع) که منجر به مهار بحران اقتصادی ناشی از خشک‌سالی پی‌درپی (هفت سال) و تأمین کمبود مواد غذایی مصر و سرزمین‌های اطراف آن می‌شود، سخن به میان می‌آورد.

پژوهش حاضر نیز با روش تحلیل اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای، به‌صورت توصیفی تحلیلی، درصدد بررسی چگونگی مدیریت بحران در سیره حضرت یوسف (ع) است. ساختار تحقیق بدین‌صورت است که بعد از بیان مسئله، مفهوم‌شناسی واژه بحران، تعریف بحران، انواع بحران، روش‌های مقابله با آن، موردبررسی قرار گرفته است. مرحله بعدی (که بدنه‌ای اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهد)، به تحلیل چگونگی مدیریت بحران و راه‌های کنترل آن راه، از دیدگاه قرآن با محوریت سیره عملی حضرت یوسف (ع)، پرداخته است و در آخر سعی نموده است که یک مدل و نمونه موفق مدیریتی قرآنی برای جوامع و سازمان‌های که با مشکلات اقتصادی و بحران مواجه بوده‌اند، ارائه دهد.

بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که بسیاری از جوامع و سازمان‌ها از همان آغاز خلقت، با آن روبرو بوده است؛ مشکلات بلایایی طبیعی و بحران‌های اقتصادی است. مدیران و مسئولان در کشورها و سازمان‌های مختلف، همیشه به دنبال این بوده‌اند که با استفاده از دانش، امکانات و تجربیات خود، زیان و خسارت‌های مالی و انسانی بحران‌ها را به حداقل برسانند. با این وجود در عصر کنونی، علیرغم قدرت و پیشرفت بشر در مهار و کنترل بحران‌ها، بازهم وجود بحران‌ها و بلایایی طبیعی نظیر طوفان، سیل، صاعقه، زمین‌لرزه و خشک‌سالی، جوامع بشری، مدیران و متخصصان را زمین‌گیر نموده است و خسارات مالی و جانی زیادی را برجای گذاشته است. از اینجا است که اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع به خصوص از نگاه قرآنی و اسلامی، به‌خوبی آشکار می‌شود.

آموزه‌های قرآن کریم، با ارائه‌ی مصادیق مختلف از مدیریت بحران، بیان‌گر این مهم است که ابتدا برای پیش‌گیری از پیامدهای ناشی از بحران‌ها، رهبران جوامع و مدیران سازمان‌ها، باید همیشه آمادگی و راه‌کارهای مناسب برای مقابله با بحران را داشته باشند؛ چراکه نداشتن آمادگی و مقابله نکردن متناسب با بحران‌های طبیعی، منجر به پیامدهای ناگوار و خسارات سنگینی می‌شود که بعضاً جبران‌ناپذیر است. از این رو، مسئله پیش‌گیری و مدیریت بحران‌های طبیعی، می‌تواند این هزینه‌ها را به‌گونه‌ای قابل‌توجهی کاهش دهد و با بالا بردن سطح آگاهی جامعه و نیروی انسانی سازمان، ایمنی و سلامت جوامع و سازمان‌ها را در برابر این بحران‌ها فراهم نماید (کمالی و میرزائی، ۱۳۹۶: ۲۴۶).

دین مقدس اسلام، به‌عنوان یک دین جامع و کامل، نسبت به همه ابعاد (جسمی و روحی) زندگی انسان و ارتباط آن‌ها با یکدیگر توجه دارد. از این رو، نمی‌تواند نسبت به یکی از نیازهای مهم و حیاتی زندگی انسان، یعنی اقتصاد و مسائل اقتصادی، بی‌تفاوت باشد. در مکتب اسلام و از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی، قرآن کریم نسخه کامل درمان بحران‌های روحی و معنوی بشر امروزی

هست. در آموزه‌های دینی، هرچند اقتصاد به‌عنوان همه زندگی انسان نیست، باین وجود، نمی‌توان نخستین نیازهای طبیعی و غریزی انسانی را نادیده گرفت. لذا به حل مشکلات و بحران اقتصادی به‌عنوان پاسخ به یک نیاز طبیعی جامعه اهتمام می‌ورزد. قرآن کریم در بسیاری از آیات، ضمن اشاره به بحران‌های گوناگون اجتماعی در جوامع بشری، به بیان راه‌کار و چگونگی مقابله با بحران، پرداخته است که نمونه آن را به‌عنوان یک الگو، می‌توان در سیره عملی حضرت یوسف (ع) در رابطه با بحران خشک‌سالی در سرزمین مصر و چگونگی مدیریت و مقابله با بحران را مشاهده نمود. زمانی که یوسف (ع)، تصدی امور اقتصادی کشور را خواستار شد. وی در نخستین اقدام، به مدیریت و سازمان‌دهی وضعیت اقتصادی که با بحران روبرو بود، پرداخت و آن را به‌درستی مدیریت نمود.

اهمیت موضوع پژوهش

در آموزه‌های اسلامی نسبت به همه‌ی جوانب نیازهای انسانی - اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی، از جمله نیازهای اقتصادی توجه شده است (مطهری، ۱۳۸۴، مجموعه‌ساز، ج ۲: ۶۳). پیامبران که برای هدایت بشر از جانب خداوند فرستاده شده است، توجه به مسائل اقتصادی یکی از اهداف آنان بوده است. دستورات لازم برای بهبود اقتصاد و رهایی از بحران اقتصادی در قرآن آمده است. در سوره مبارکه یوسف، مدیریت این پیامبر بزرگ استوار بر تعالیم خداوندی، برمدار تقوا و اخلاص، مدبرانه، آینده‌نگرانه و به‌دوراز حواشی بوده است. این شیوه مدیریتی، باعث شد تا هفت سال سخت و دشوار خشک‌سالی با آرامش سپری شود و بحران پیچیده‌ای که می‌توانست هزاران نفر را به کام مرگ بکشاند، با کم‌ترین تلفات ممکن برطرف شود.

از آنجای که مدیریت بحران اقتصادی در سیره حضرت یوسف (ع)، بر اساس معیارها و راهبردی است که از یک‌سو عبور از بحران اقتصادی را در بالاترین سطح ممکن اجرا و مشکلات اقتصادی و به‌تبع آن مشکلات اجتماعی یک کشور بحران‌زده را به‌خوبی حل نموده است. از سوی دیگر با حل این بحران، خودکفایی اقتصادی را با رعایت عدالت اجتماعی نهادینه نمودند (اعرابی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۶).



ولی لازم است افراد جامعه با توجه به تفاسیر ارائه شده از قرآن و داشتن ایمان و اعتقاد به خدا و کتاب وحی، آن‌ها را در زندگی و جامعه خود به کارگیرند تا در تمام مراحل زندگی به موفقیت دست پیدا کنند. از این رو، بررسی چگونگی مدیریت بحران اقتصادی در قرآن کریم در سیره حضرت یوسف (ع) و الگوگیری از آن در بهبود مسائل اقتصادی در جوامع اسلامی، از اهمیت بسزای برخوردار است.

مفهوم شناسی

الف) بحران در لغت

«بحران» لفظ یونانی و معرب است و معادل واژه **(krisis)** به معنای نقطه عطف در بیماری است. در فرهنگ چینی، واژه بحران معادل فرصت خطرناک است؛ یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت. فرهنگ آریانپور واژه **(Crisis)** را بحران، شور، سرشکستگی، نقطه عطف، سختی و پریشان حالی معنا کرده است (آریانپور، ۱۳۷۷: ج ۱، ۱۲۰۳).

لغت نامه و بستر برای واژه «بحران **(Crisis)**» سه دسته معنا در نظر گرفته است. معنای اول: که خود دارای جزئیات و مؤلفه‌های ذیل است: الف. نقطه عطف از یک حالت بد، به یک حالت خوبتر (بهتر) در یک بیماری حاد یا تب (بهبودی).

ب. حمله پروگزیمال **(Proximal)** یا درد، ناراحتی، یا اختلال عملکرد. ج. یک رویداد عاطفی قابل توجه و یا تغییر ناگهانی در وضعیت زندگی یک فرد. معنای دوم: در این معنا بحران عبارت است از: لحظه‌ای تعیین کننده. به این معنا که وقت یک مسئله یا مشکل غیرمترقبه‌ای اتفاق می‌افتد، آن لحظه بسیار حساس و تعیین کننده است که مدیر با چه برنامه و ساز کاری آن مشکل را برطرف نماید که متحمل کمترین خسارت (جانی و مالی) شود.

معنای سوم: در این معنا بحران عبارت است از: الف. زمان ناپایدار یا حیاتی یا شرایطی از امور که در آن یک تغییر اساسی قریب‌الوقوع است، به خصوص با یک احتمال بسیار نامطلوب؛ مانند آثار یک بحران مالی (اقتصادی).



ب. وضعیتی که به مرحله بحرانی رسیده؛ مانند یک بحران زیست‌محیطی (، ۲۰۰۶
۲۹۶. p. (marriam -Webster).

لغت‌نامه دهخدا، بحران را این‌گونه تعریف می‌کند: «بحران تغییر حال بیمار است از
حالی به حالی یا بهتر یا بدتر» (دهخدا، ۱۳۷۲: ۳۷۹۶).

در فرهنگ عمید، بحران «آشفستگی و تغییر حالت، تغییر حالت ناگهانی مریض
تبار که منجر به بهبودی یا مرگ او بشود» تعریف شده است (عمید، ۱۳۷۸: ۳۱۹).

ب) بحران در اصطلاح

مدیریت بحران در حوزه‌های دانشی گوناگون چون مدیریت، سیاست، اقتصاد،
فرهنگ، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به کاررفته و دانشمندان این عرصه‌ها در مورد
آن قلم‌فرسایی نموده‌اند. رشته‌های مختلف علوم انسانی، واژه «بحران» را با رویکرد
متناسب به خود، معنا و تعریف نموده است. چارلز مک‌کلند^۱، معتقدند مقوله بحران در
پنج‌سال گذشته از منظرهای گوناگون تحقیقاتی و با رویکردهای متفاوت
روش‌شناختی، مورد مطالعه قرار گرفته است، لیکن چنین تلاش‌هایی نه تنها موجب
ارائه تعریفی شفاف از این مفهوم نشده، بلکه درک آن را به مراتب پیچیده‌تر کرده‌اند
(رابرت، ۱۹۸۸: ۹).

مدیریت بحران، طبق تعریفی عبارت است از فرایند برنامه‌ریزی مقامات مسئول که
با مشاهده، تجزیه و تحلیل بحران‌ها به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ با استفاده از
ابزارهای موجود تلاش می‌کنند تا از بحران‌ها پیش‌گیری کنند یا در صورت بروز، در
جهت کاهش آثار، آمادگی لازم، امداد رسانی سریع و بهبود اوضاع تا رسیدن به سطح
وضعیت عادی، اقدام نمایند. طبق تعریف دیگر، مدیریت بحران فرایندی است برای
پیش‌گیری از بحران و یا به حداقل رساندن اثرات آن به هنگام وقوع. مدیریت بحران
فرایندی است که یک مدیر در مواقع احتمال خطر، سعی می‌کند تا با هزینه‌ی
قابل قبول، به اهداف خود، دست یابد.

^۱. Charles Mechland.



از نظر دبیرخانه راهبرد بین‌الملل برای کاهش خطرات بلایای طبیعی ملل متحد، مدیریت بحران عبارت است از روند نظام‌مند به‌کارگیری تصمیمات مدیریتی، سازمان‌دهی‌ها، تقویت مهارت‌های عملیاتی و ظرفیت‌سازی به‌منظور تدبیر سیاست‌ها، اتخاذ راهبردها و ایجاد سازگاری در جوامع به‌منظور کاهش پیامدهای زیان‌بار ناشی از مخاطرات طبیعی و بلایای مرتبط با عوامل زیست‌محیطی و تکنولوژیک است.

نگرش سنتی به مدیریت بحران، نگرشی منفی بوده و همانند فرونشاندن آتش، تلقی می‌شده است؛ اما این مدیریت در تطور معانی خود، معنای مثبت و بهتری پیدا کرده است و به ارائه مجموعه‌ای از تدابیر برای مقابله با طرح‌ها و برنامه‌هایی که علیه سازمان در حال شکل‌گیری است، اطلاق می‌شود. با این فرض، مدیران بحران باید دربارهٔ چیزهای غیرقابل تصور بیندیشند و در انتظار رخداد‌های غیرمترقبه باشند و برای مدیریت آن‌ها سناریو و سپس برنامه‌های مناسبی را طراحی و تدوین نمایند.

گفتنی است، اصطلاح «بحران» از علم پزشکی وارد مباحث اجتماعی و اقتصادی شده است. در پزشکی، «بحران» وضعیتی است که اندام، دچار بی‌تعادلی شده و سلامت انسان در معرض خطر قرار می‌گیرد.^۱ برخی عقیده دارند که این تعریف، در زمینه‌ی اجتماعی نیز مصداق دارد و زمانی که جامعه از حالت تعادل و نظم عادی خارج شده و دچار آشفتگی می‌شود، وضعیت بحرانی حاکم می‌شود. از این‌رو، بحران را می‌توان «شرایط غیرعادی» دانست که در آن، مشکلاتی ناگهانی و پیش‌بینی‌ناپذیر پدید می‌آیند و در چنین شرایطی، ضوابط، هنجارها و قوانین مرسوم، کارساز نخواهد بود؛ بنابراین، در اصطلاح علم پزشکی و طبّاً، بحران عبارت است از: منازعت طبیعت با مریض، شدت ناگهانی بیماری و تغییری که بیمار را پیدا آید در تب (دائره‌المعارف جامع اسلامی، ۱۳۸۹: ۳۸۲).

مطابق با قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران به شماره ۶۰۵/۱۸۷۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۹، بحران به شرایطی گفته می‌شود که در اثر حوادث، رخدادها و عمل کرده‌ای طبیعی و انسانی (به‌جز موارد موضوعه در حوزه‌های امنیتی و اجتماعی)

^۱ <http://www.msn.com/Encarta World English Dictionary>



به‌طور ناگهانی یا غیرقابل کنترل به وجود می‌آید و موجب ایجاد مشقت و سختی به یک مجموعه یا جامعه انسانی می‌گردد و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری، فوری و فوق‌العاده دارد.^۱

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، معنای واژه بحران عبارت است از: سرگشتگی بهتر یا بدتر شدن ناگهانی، آشفتگی، سردرگمی یا اضطراب، آشوب، نقطه عطف، نزدیک شدن به خطر، سختی و پریشان حالی، شدیدترین مرحله سختی، رنج کشیدن در هر صورت، واژه بحران به یک تغییر و تحول ناگهانی اشاره دارد که از قبل پیش‌بینی نمی‌شده است (بشیر، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۵).

تعریف بحران

تعریف بحران خود یک مفهوم بحران‌زا و بحران‌زی است. اگرچه تاریخ جوامع بشری روایتی مستمر و بلاانقطاع از «بازی بحران‌ها» است، لیکن تاکنون گفتمان و ادبیات واحد شفاهی پیرامون آن شکل نگرفته است (محمدی سیرت، ۱۳۹۱: ۲۷) و هریک از دانشمندان و اندیشمندان به فراخور نوع نگاهی که به موضوع داشته‌اند از بحران معانی متفاوتی ارائه کرده‌اند. دلیل این امر نیز به دامنه گسترده و هم‌چنین سطوح مختلف بحران برمی‌گردد (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

«بحران» که معادل لاتین آن، واژه «**krisis**» و معادل انگلیسی آن، واژه «**Crisis**» هست، در زبان ساده، به «زمان خطر» یا «نگرانی» اطلاق می‌گردد.^۲ در حقیقت، وضعیت یا دوره‌ای است که در آن، اشیا، نامطمئن، سخت و دردآور هستند. به‌ویژه زمانی که باید از خطری عمده اصلی جلوگیری شود. «لحظه بحرانی» نیز به زمانی گفته می‌شود که موارد بسیار مهم مربوط به آینده در آن لحظه اتفاق افتاده یا تصمیم‌گیری درباره آن‌ها انجام می‌گیرد. اشاره شد، اصطلاح «بحران» از علم پزشکی وارد مباحث اجتماعی و اقتصادی شده است. در پزشکی، «بحران» وضعیتی است که

۱. <http://www.amaher.ir>

۲. جمعی از نویسندگان (۱۳۶۹)، فرهنگ اندیشه نو، ص ۱۵۸، ترجمه گروهی، ویراستار، ع پاشایی، تهران، انتشارات مازیار.



اندام، دچار بی‌تعادلی شده و سلامت انسان در معرض خطر قرار می‌گیرد. برخی عقیده دارند که این تعریف، درزمینه‌ی اجتماعی نیز مصداق دارد و زمانی که جامعه از حالت تعادل و نظم عادی خارج شده و دچار آشفتگی می‌شود، وضعیت بحرانی حاکم می‌شود. از این رو، بحران را می‌توان «شرایط غیرعادی» دانست که در آن، مشکلاتی ناگهانی و پیش‌بینی‌ناپذیر پدید می‌آیند و در چنین شرایطی، ضوابط، هنجارها و قوانین مرسوم، کارساز نخواهد بود^۱.

اما به‌طور کلی بحران چیزی جز تجلی برخورد تمام عواملی که یک‌مرتبه از حالت نظم به حالت بی‌نظمی درآمده است، نیست (حبیب زاده ملکی و جوادیان، ۱۳۸۹: ۱۰۵). در واقع از دیدگاه نظام‌مند یک بحران عبارت است از: وضعیتی که نظم نظام اصلی یا قسمت‌هایی از آن را که ما نظام فرعی می‌نامیم، مختل کرده و پایداری آن را به هم می‌زند. به زبان دیگر، یک بحران وضعیتی است که تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عوامل متغیر نظام به وجود می‌آورد. بر این اساس می‌توان گفت مدیریت بحران تلاش دارد که اولاً از وقوع حوادث پیش‌گیری کند، ثانیاً در صورت وقوع به مقابله با آن برود و ثالثاً پس از فروکش بحران برای بازسازی آن تلاش کند (تقوایی و علیزاده، ۱۳۹۱: ۸۶).

مدیریت بحران عبارت است از تلاش نظام‌یافته توسط اعضای سازمان همراه با ذی‌نفعان خارج از سازمان، در جهت پیش‌گیری از بحران‌ها و یا مدیریت اثربخش آن‌ها در زمان وقوع^۲.

در مجموع، می‌توان مرحله پیچیده‌ای را که یک کار و یک رویداد باید از آن عبور کند، «بحران» نامید. این مفهوم از عناصر گوناگونی تشکیل شده است که باهم روابط متقابل دارند و شرایط ایجاد بی‌روز بحران را تشکیل می‌دهند. برخی از این عناصر عبارت‌اند از:

۱. <http://www.msn.com/Encarta World English Dictionary>

۲. Mc Conkey, Dale; "Planning for Uncertainty"; *Business Horizons Journal*; Vol ۳۰; ۱۹۸۷. P. ۴۰-۴۵.

۱. پیدایش نیروهایی در درون سیستم که آن را از حالت تعادل خارج کرده و باعث تحول در نوسان‌ها می‌گردد.
 ۲. آشکار شدن خصومت‌های پنهانی که پیش از آن، در سایه همکاری‌ها و تفاهم، پنهان شده بود.
 ۳. افزایش جدال و ستیزه‌گری در سطح افراد، گروه‌ها و طبقه‌ها؛
 ۴. افزایش تناقض‌ها؛
 ۵. افزایش تلاش برای گذراندن این مرحله و سیر به حالت تعادل؛
- و پیدایش راه‌کارهای اسطوره‌ای، خیالی و... این عناصر باعث می‌شود که نوعی وضعیت حاد و اضطراری حادث شده و اختلال و اغتشاش در نظام به وجود آید.
- بنابراین می‌توان مدل سه مرحله‌ای بحران که به‌تنهایی متعلق به هیچ‌یک از نویسندگان نیست و یک مدل جامع به نظر می‌رسد را مطرح کرد. این مدل از سه مرحله، قبل از بحران، حین بحران و بعد از بحران تشکیل شده است. مرحله قبل از بحران شامل تمامی اقدامات برای جلوگیری از بحران، مرحله حین بحران مربوط به گام‌هایی برای پاسخ و مقابله با بحران و مرحله پس از بحران شامل اطمینان از رفع بحران و امنیت سازمان و یادگیری از رویداد به‌منظور جلوگیری از رخداد مجدد آن است (ودادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹).
- البته مفهوم بحران در کنار مفاهیم دیگری همچون امنیت، قدرت، منافع، اهداف، مصالح و تهدیدات و... معنا پیدا می‌کند که همگی سیال‌اند؛ و منظور از آن را فقط می‌توان نزد نظاره‌کنندگان آن‌ها جستجو کرد. بحران مفهومی است که نقش‌نگرنده و نگریسته در تعریف آن کاملاً اثرگذار است و با توجه به‌جا به‌جایی متعدد نگرنده و نگریسته و تحول مصادیق آن‌ها در دایره هستی، شاید نتوان مفهوم بحران را در چارچوب الگویی واحد تعریف کرده و بسته به موضوع متفاوت است (محمدی سیرت ۱۳۹۱: ۲۸).
- بااین‌حال از بحران، تعاریف متعددی بیان شده است که می‌توان آن‌ها را در قالب چهار رویکرد اصلی دسته‌بندی و تعریف نمود:

<p>رویکرد سیستمی: بحران عبارت است از وضعیتی که نظم سیستم اصلی یا قسمت‌های از آن را که سیستم فرعی می‌نامیم مختل کرده و پایداری آن را برهم بزند (کاظمی ۱۳۶۶: ۱۴)</p>	
<p>رویکرد ارگانیکی: این تعریف بحران را یک نقطه عطف در تحول و توسعه‌ی یک رویداد یا یک سیستم معرفی می‌کند (محمدی سیرت ۱۳۹۱: ۲۹).</p>	
<p>رویکرد علی: در این رویکرد منشأ و علت بروز بحران مبنای تعریف است مثل این‌که ناتوانی رهبران سیاسی در جامعه و عدم وجود یک نظام سیاسی عادلانه و عدم قابلیت اداره امور حکومتی به‌عنوان یک بحران تلقی شود (اسماعیلی ۱۳۸۸: ۱۴)</p>	
<p>رویکرد فرایندی: در این چارچوب بحران عبارت است از وضعیتی که: اولاً هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند. ثانیاً زمان کنش را برای اتخاذ تصمیم محدود می‌کند. ثالثاً عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند. (کاظمی ۱۳۶۶: ۲۴).</p>	

<p>مدیریت بحران:</p>
<p>فرایندی است که یک مدیر در مواقع خطر احتمالی، سعی در برآورده ساختن اهداف خود با هزینه‌ای قابل قبول دارد (امیرکبیری ۱۳۸۱: ۴۱۵).</p>
<p>پیش‌بینی، تدارک، آمادگی قبلی برای رویارویی و رفع موانع و رویدادهایی که حیات و بقاء سازمان و جامعه را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد (رضایی ۱۳۹۰: ۸۵).</p>
<p>مدیریت بحران به‌ضرورت پیش‌بینی منظم و کسب آمادگی برای برخورد با آن دسته از مسائل داخلی و خارجی که به‌طور جدی شهرت، سودآوری یا حیات سازمان را تهدید می‌کند (رضائیان ۱۳۸۰: ۵۱۷)</p>
<p>تلاش نظام‌یافته‌ی اعضای سازمان همراه با ذی‌نفعان خارج از سازمان در جهت پیش‌گیری از بحران‌ها و یا مدیریت اثربخش (رضایی ۱۳۹۰: ۸۵).</p>
<p>مجموعه‌ای متشکل از اختیارات قانونی، تشکیلات سازمانی، تجهیزات و امکانات فیزیکی، سیستم‌ها و روش‌ها، طرح‌های مطالعاتی، برنامه‌های عملیاتی و نظام‌های ارتباطی و اطلاعاتی که به‌منظور کسب حداکثر آمادگی برای مواجهه با شرایط بحرانی حاصل از وقوع حوادث و نیز به حداقل رساندن عواقب این حوادث، طراحی و اجرا می‌گردد (رضایی ۱۳۹۰: ۸۵).</p>



مدیریت بحران^۱

در شرایط بحرانی با توجه به کمبود زمان و فرصت و برهم خوردن شرایط طبیعی، الگوهای رایج مدیریت کارساز نیستند و باید سراغ الگوهای خاص مدیریت رفت که شرایط خاص بحران را در نظر دارند؛ بنابراین مدیریت بحران نوع و شکل خاصی از مدیریت است که با دیگر رویکردها و الگوهای مدیریت متفاوت بوده و ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد.

مدیریت بحران همچون خود مفهوم بحران، از منظرهای گوناگون مورد تعریف و تحقیق واقع شده است. هرکدام از نظریه‌پردازان و اندیشمندان حوزه مدیریت بحران از دیدگاه خود و با توجه به گستره و نوع بحرانی که با آن مواجه بوده‌اند، مدیریت بحران را تعریف کرده‌اند:

با توجه به تعاریف ارائه‌شده، مدیریت بحران، از زیر بخش‌های مدیریت است که برخورداری از برنامه‌ها و ساز کارهای دقیق و تخصصی در خصوص آن ضرورت دارد؛ تا بتوان حوادث غیرمترقبه‌ی طبیعی و رویدادهای مهم اجتماعی را به‌درستی مورد شناسایی، رسیدگی و نظارت قرارداد و البته این فرایند باید در کوتاه‌ترین مدت ممکن صورت گیرد.

صاحب‌نظران حوزه سازمان و مدیریت، بحران را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سازمان عصر جدید می‌دانند و گفته‌شده است که بحران، دیگر ویژگی غیرعادی، کمیاب، غیر اتفاقی و یا جنبی جوامع، سازمان‌ها و گروه‌ها شمرده نمی‌شود؛ بلکه در تاریخ پود ساختارهای نوین رخنه کرده است.

بر این اساس، حوزه مدیریت بحران یکی از کاربردی‌ترین و اساسی‌ترین شاخه‌های دانش مدیریت قلمداد می‌شود و در عصر رقابت‌های پیچیده و جهانی، تسلط بر ابعاد مختلف دانش مدیریت بحران از الزامات و بایسته‌های قطعی رهبری و مدیریت محسوب می‌شود. روندهای جهان‌بینی، نشان‌دهنده آن است که گرایش به مدیریت

۱. crisis management



بحران در میان مدیران و رهبران در حال افزایش است و از آنجاکه این بخش از دانش و هنر مدیریت، ارتباط تنگاتنگی با سایر حوزه‌ها از مدیریت حوادث، مدیریت ریسک، ارتباطات و برنامه‌ریزی استراتژیک دارد، فراگیری دامنه شمول آن به‌شدت در حال فزونی و توسعه است.

بر این اساس، «مدیریت بحران»، فرآیندی است که طی آن، مدیر برای دستیابی به اهداف سازمان با توجه به مقتضیات پیش‌آمد زمانی و مکانی و با هزینه‌ای قابل‌قبول به کنترل و ساماندهی اوضاع می‌پردازد.

اصلی‌ترین شاخصه تفاوت بین بحران‌ها و مدیریت بر آن‌ها، در شیوه اتخاذی برای کنترل بحران خلاصه می‌شود. هرچقدر در ایجاد موانع پیش‌گیرنده از بحران‌ها و کنترل بر آن‌ها توفیق حاصل شود، به همان نسبت، مدیریت بحران نیز موفق خواهد بود.

مدیریت بحران در قرآن

واژه بحران در قرآن کریم به‌طور مستقیم نیامده است؛ اما در متن قرآن کلمات و واژه‌های یافت می‌شوند که با بحران هم‌معنا هستند؛ مانند واژه‌های «فتنه»، «بلاء»، «فساد»، «بغی»، «کبد»، «عسر»، «حرج»، «ضرر»، «تیه» و... آمده است که از موارد ذکر شده می‌توان به‌عنوان مصادیق بحران یاد کرد. در ادامه به انواع بحران به‌خصوص بحران اقتصادی از نگاه قرآن کریم به‌طور خلاصه اشاره می‌شود (مولایی نیا، نجات‌بخش اصفهانی، ۱۳۹۶: ۵۸).

با توجه به قرآن و مثال‌های قرآنی، متوجه می‌شویم که بحران دارای اشکال و انواع مختلفی بوده است؛ مانند گرفتاری‌های مادی، معنوی، خاص، عمومی، تاریخی، بازدارنده، تربیتی و ... که یکی از آن‌ها بحران اقتصادی و خشک‌سالی است. برخی از بحران‌های که قرآن کریم به آن‌ها اشاره نموده است عبارت‌اند از:

۱. **بحران مادی:** در سوره سبأ آیات ۱۵، ۱۶، ۱۷، به این بلایا و بحران اشاره نموده است. سبأ، سرزمینی در یمن و نام شهر آن مأرب است. این شهر دارای تمدنی بسیار درخشان بوده است و رشد اقتصادی و آسایش و آرامش آن به اندازه‌ای بود که به‌عنوان ضرب‌المثل در کتاب‌ها مانده است. شهرهایی چون عدن و ارم در ادبیات عربی از چنان جایگاهی برخوردار بودند که برای بیان بهشت‌های اخروی از نام آن‌ها بهره گرفته شده است. با این همه پیشرفت اقتصادی و تمدنی که ملت سبأ در همه عرصه های زندگی به دست آورده بود، نتوانست در مسیر پایدار گام بردارد و در نهایت به علل درونی و نه حملات نظامی دچار بحران شد و از هم فروپاشید و در افکار و خاطرات مردم به شکل ضرب‌المثل از تمدنی درآمد که روزگار، خاک نیستی و فراموشی را بر آن پاشاند (مجمع‌البیان، ج ۷، ۸، ۶۰۶).

شکل‌گیری این نوع بحران (بحران مادی) بر اثر عوامل معنوی چون سرپیچی از اوامر خداوند و ناسپاسی از نعمت‌های الهی است که در آیات ۱۶ و ۱۷ سوره سبأ آمده است که این قوم به دلیل روی‌گردانان از خداوند و کفران نعمت در محل سکونتشان به سیل گرفتار شدند.

۲. **بحران معنوی:** که در سوره مائده آیات ۳۰ و ۳۱، مطرح شده است، ماجرای فرزندان آدم تعقیب شده است نخست می‌گوید: نفس سرکش قابیل او را مصمم به کشتن برادر کرد و او را کشت (فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله). با توجه به این که طوع در اصل به معنی رام شدن چیزی است، از این جمله چنین استفاده می‌شود که بعد از قبولی عمل هابیل، طوفانی در دل قابیل به وجود آمد از یک‌سو آتش حسد (همان بحران معنوی) هر دم در دل او زبانه می‌کشید و او را به انتقام‌جویی دعوت می‌کرد و از سوی دیگر عاطفه برادری و عاطفه انسانی و تنفر ذاتی از گناه و ظلم و بیدادگری و قتل نفس، او را از این جنایت باز می‌داشت، ولی سرانجام نفس سرکش

۱. قَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ (۱۵) فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶) ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ (۱۷)



آهسته آهسته بر عوامل بازدارنده چیره شد و وجدان بیدار و آگاه او را رام کرد و به زنجیر کشید و برای کشتن برادر آماده ساخت، جمله طوعت در عین کوتاهی اشاره‌ای پرمعنی به همه این‌ها است؛ زیرا می‌دانیم رام کردن چیزی در یک لحظه صورت نمی‌گیرد، بلکه به‌طور تدریجی و پس از کشمکش‌هایی صورت می‌گیرد. سپس می‌گوید: و بر اثر این عمل زیان کار شد (فصبح من الخاسرین). چه زبانی از این بالاتر که عذاب وجدان و مجازات الهی و نام‌ننگین را تا دامنه قیامت برای خود خرید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۴، ۳۵۰).

۳. بحران‌های خاص: در سوره انبیاء آیه (۸۷) به این بحران خاص اشاره شده است. به‌طوری‌که قرآن داستان حضرت یونس (ع) ذکر می‌کند که از پروردگارش درخواست عذاب قوم خود را نمود و خدا هم اجابتش کرد، او نیز جریان را به قوم خود گوشزد کرده بود تا این‌که نزدیک شد عذاب بر آنان نازل شود، در این هنگام مردم توبه و بازگشت نموده و عذاب از آنان برطرف شد، وقتی یونس چنین دید قوم خود را ترک گفت و راه بیابان در پیش گرفت و گذارش به کنار دریا افتاد و بر کشتی نشست، در بین راه ماهی بزرگی راه را بر کشتی و سرنشینانش بست و معلوم شد که تا یک نفر از سرنشینان را نبلعد دست‌بردار نیست، سرنشینان کشتی بنا را بر قرعه گذاشتند و قرعه به نام یونس درآمد، یونس به دریا انداخته شد و آن ماهی او را بلعید، مدتی در شکم ماهی مشغول تسبیح خدای تعالی بود تا آن‌که خداوند ماهی را فرمود تا یونس را در ساحل دریا بیفکند، این بحران شخصی برای حضرت یونس اتفاق افتاد که قرآن کریم یادآور شده است.

همه این بلیات و بحران فقط برای این بود که یونس آنچه را تاکنون می‌پنداشت کاملاً درک کند و بلکه برایش مجسم شود که خدای سبحان قادر است بر این‌که او را گرفته و هر جا که بخواهد زندانش کند و هر بلائی که بخواهد بر سرش بیاورد و او جز به‌سوی خود خداوند گریزگاهی ندارد و نتیجه این پیش‌آمد و این تدبیر الهی این شد که حالتی که در آن زندان و در شکم ماهی برایش مجسم شده بود او را وادار سازد به این‌که اقرار کند که او معبودی است که جز او معبودی نبوده و از بندگی و عبودیت برای او گریزی نیست و لذا گفت: "لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ..." (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۶، ۴۰۹).

۴. بحران‌های عمومی: که قرآن کریم در سوره نمل آیات (۵۶، ۵۷، ۵۸) به آن پرداخته است. این آیات اجمال داستان لوط را بیان می‌کند. قوم لوط در برابر چشم یکدیگر و در جلسه‌ی علنی، لواط می‌کردند. «وَ أَنتُمْ تُبْصِرُونَ» یعنی در برابر چشم یکدیگر و یا با بصیرت و آگاهی گناه می‌کنید (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۳۶).

در روایات آمده است که لوط حدود سی سال آن‌ها را تبلیغ کرد ولی جز خانواده‌اش (آن‌هم به‌استثنای همسرش که با مشرکان هم‌عقیده شد) به او ایمان نیاوردند.^۱ بدیهی است چنین گروهی که امید اصلاحشان نیست جایی در عالم حیات ندارند و باید طومار زندگانی‌شان درهم‌پیچیده شود، لذا در آیه بعد می‌گوید: «ما لوط و خاندانش را رهایی بخشیدیم به‌جز همسرش که مقدر کردیم جزء باقیمانده‌گان باشد و پس از بیرون آمدن آن‌ها در موعد معین (در سحرگاه شبی که شهر غرق فساد و ننگ بود) پس از آن که صبحگاهان فرارسید" بارانی (از سنگ) بر آن‌ها فرستادیم" که همگی زیر آن مدفون شدند و این بعدازآن بود که زلزله وحشتناکی سرزمین آن‌ها را به‌کلی زیرورو کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۵، ۵۰۷)».

۵. بلایا و بحران‌های تاریخی: این نوع بحران را قرآن کریم در سوره توبه آیه ۷۰، بیان نموده است: «أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ: آیا گزارش [حال] کسانی که پیش از آنان بودند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیرورو شده به ایشان نرسیده است پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند ولی آنان بر خود ستم روا می‌داشتند».

قرآن کریم، بحران‌های قوم نوح را، با غرق شدن، قوم عاد را (قوم حضرت هود)، با تندبادهای سرد و مسموم، قوم ثمود را (قوم حضرت صالح)، با زلزله، قوم مدین را (اصحاب حضرت شعیب)، با ابر آتش‌بار و قوم لوط را، با زیرورو شدن آبادی‌هایشان، یاد نموده است (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۳، ۴۶۱).

۱. تفسیر نور الثقلین جلد ۲ صفحه ۳۸۲.

۶. بحران خشک‌سالی و قحطی: از دیگر بحران‌هایی که قرآن گزارش کرده، بحران خشک‌سالی و قحطی هفت‌ساله مصر است. خداوند گزارش این بحران را در آیات ۴۳ تا ۵۵ سوره یوسف بیان کرده است. حضرت یوسف (ع) به دلیل برخورداری از علم تعبیر خواب، از خشک‌سالی که در آینده گریبان گیر مصر می‌شود، خبر می‌دهد و به‌نوعی پیش‌گویی بر اساس رؤیا می‌پردازد.

حضرت یوسف (ع) و بحران خشک‌سالی

آنچه از سیره عملی حضرت یوسف (ع) برای مدیریت بحران از آیات قرآن کریم به‌خصوص سوره یوسف، استنباط می‌شود؛ این است که حضرت قبل از وقوع، حین وقوع و پس از وقوع بحران، مناسب با هر دوره راه‌کارهای مناسبی را پیشنهاد و اجرا نمودند.

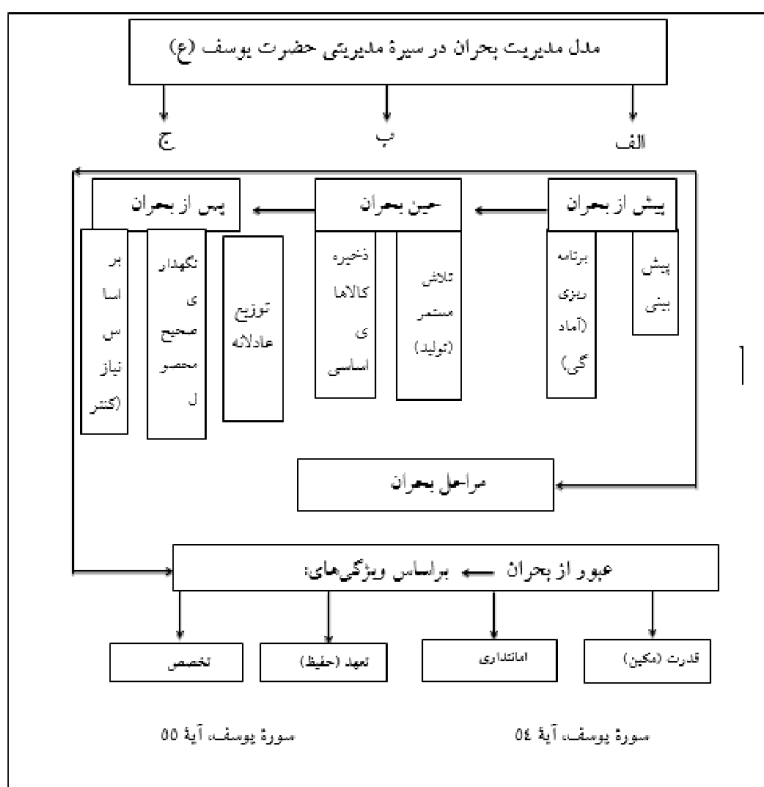
الف) پیش‌بینی؛ قبل از وقوع بحران پیش‌بینی‌های علمی لازم را انجام می‌دهد و بر اساس این پیش‌بینی‌ها، به پادشاه مصر می‌گوید که در مدیریت بحران می‌بایست همه دستگاه‌های دولتی و مردمی بسیج شوند تا با کشت و انبار کردن محصولات در اشکال گوناگون از این بحران به‌سلامت عبور کرد و اوضاع را با بهترین شکل ممکن مدیریت نمود. این توصیه‌ها به پادشاه مصر قبل از وقوع بحران در مرحله پیش‌بینی صورت پذیرفته است. حضرت با این پیش‌بینی دقیق، شایستگی و لیاقت خود را ثابت می‌کند و درخواست، سمتی خزانه‌داری را از پادشاه مصر می‌کند. پادشاه نیز، به اطرافیان دستور داد به زندان بروند و یوسف را به حضورش بیاورند تا او را محرم اسرار و امین امور خود قرار دهد و به او گفت: از امروز به بعد تو در نزد ما مقام و منزلت ارجمندی داری و تو فردی امین و درستکار هستی (یوسف، ۱۲).

ب) برنامه‌ریزی دقیق؛ امنیت اقتصادی و غذایی در بحران خشک‌سالی و قحطی، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و علمی است. از این‌رو خود را به‌عنوان دانا به علم مدیریت از جمله مدیریت بحران معرفی می‌کند و از آنجاکه محافظت بر همه محصولات زمینی در گذر از بحران، بسیار مهم است خود را حفیظ معرفی می‌کند و می‌گوید با این دو شرط است که می‌توان از بحران‌هایی از این‌دست عبور کرد. به سخن دیگر، در بحران‌هایی چون بحران غذایی و خشک‌سالی، تدبیر امور باکسانی است که از نظر علمی متخصص و از نظر تعهدات اخلاقی و انسانی، حفیظ و نگه‌دارنده و امین باشند.



از آیات سوره یوسف به دست می‌آید که رهبران جامعه می‌بایست این امور را هرچند به شکل رؤیا و خبر غیرعلمی باشد، کم‌اهمیت و کوچک بشمارند و به احتمال آن که خطر و بحرانی در راه است باید آمادگی لازم را بیندیشند؛ بنابراین، حتی احتمال کم وقوع بحران‌های طبیعی می‌بایست مسئولان جامعه، همه ابزارها و منابع انسانی و مالی را فراهم نموده و در اختیار مدیران متخصص و متعهد قرار دهند. آن حضرت تمام مراحل در چرخه مدیریت را به شکل برنامه‌ریزی شده‌ای مدیریت کرد و همه اهداف را با یک برنامه‌ریزی علمی و دقیق محقق ساخت. شاید بتوان گفت که مدیریت حضرت یوسف (ع) یک مصداق از مدیریت جامع و کامل است که درس‌های بسیاری می‌توان از آن آموخت. نکته قابل توجه در سیره حضرت یوسف (ع) در مدیریت بحران اقتصادی این است این که او تا آنجا در مدیریت بحران موفق بوده و به خودکفایی اقتصادی دست پیدا نمودند که حتی مردمانی از ملت‌های دیگر نیز برای برآوردن نیازهای خویش به مصر رفتند و از محصولات آنجا برای رهایی از بحران قحطی و خشک‌سالی بهره‌مند شدند.

مدل مدیریت بحران در سیره عملی حضرت یوسف (ع)





راه‌های مقابله با بحران در سیره حضرت یوسف (ع)

هر جامعه و سازمانی متناسب با شرایط حاکم و امکانات موجود، روش‌های متفاوتی را در رابطه با بحران و مقابله با آن، پیشنهاد و اجرا می‌کند. در آموزه‌های قرآن کریم، یکی از راه‌های مقابله با بحران، مسئله پیش‌گیری از وقوع بحران است. لذا خداوند متعال، برای پیش‌گیری از بحران‌ها که در دو قالب بلای کیفی و ابتلای امتحانی تحقق می‌یابد، از مؤمنان می‌خواهد که نماز آیات بخوانند و خدا را یاد کنند و یا استغفار کرده و تقوای پیشه کنند و حقوق مالی خود را ادا کنند تا گرفتار بلائی به‌ظاهر طبیعی چون خشک‌سالی، زلزله، سیل، آتش‌سوزی و مانند آن و یا ابتلائی چون کمبودها، جنگ‌ها، نقص در اموال و جان‌ها، فقدان امنیت غذایی و امنیت روحی و روانی و مانند آن نشوند (اعراف، آیه ۹۶؛ نحل، آیه ۱۱۲؛ آل‌عمران، آیه ۱۴ و آیات بسیار دیگر).

آموزه‌های وحیانی، همان‌طوری که چرایی و علل مشکلات اقتصادی را بیان کرده، راهکارهای برون‌رفت از مشکلات را نیز روشن نموده است. حال به‌صورت مختصر برخی راهبردهای حضرت یوسف (ع) برای مقابله با بحران اقتصادی اشاره می‌شود. حضرت یوسف (ع)، با تکیه و اعتماد به خداوند متعال، تلاش مستمر برای تولید محصول، ذخیره‌سازی کالاهای اساسی، نظارت بر تولید، توزیع و مصرف، توزیع درست و کنترل توزیع، پیش‌بینی، تدبیر و برنامه‌ریزی برای دوران بحران را از راه کارهای مقابله با بحران اقتصادی می‌داند. راه‌های مقابله با بحران و برون‌رفت از مشکلات اقتصادی، در آموزه‌های اسلامی به‌گونه‌ای جامع و کامل ترسیم‌شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. ایمان و تکیه بر خدا: بی‌گمان ایمان مهم‌ترین عامل برون‌رفت از مشکلات از جمله مشکلات اقتصادی است. در آیاتی متعددی از جمله آیه ۹۶ سوره اعراف و ۱۱۲ سوره نحل بر این امر تأکید دارد؛ هم‌چنین از آیه ۲۸ سوره توبه به دست می‌آید که جامعه اسلامی باید به‌جای تکیه بر دیگران به خداوند و فضل الهی تکیه و اعتماد کند. اعتقاد به اینکه قبض و بسط اقتصادی در دست خداوند است، مهم‌ترین عامل در تحقق این راه برون‌رفت است. به سخن دیگر، مشیت الهی، منشأ توسعه و تنگناهای

اقتصادی است. چنین باوری است که می‌تواند انسان را در مسیر کمالی قرار دهد و جامعه را از مشکلات رهایی بخشد (بقره، آیه ۲۴۵؛ رعد، آیه ۲۶؛ اسراء، آیه ۳۰). بی‌شک حضرت یوسف (ع)، با تکیه و ایمان بر خدا، توانست بحران‌های چون حسادت برادران، نجات از چاه و حل بحران خشک‌سالی مصر و دیگر مشکلات را توانست به‌خوبی مدیریت کند به‌گونه‌ای که نه‌تنها مشکلات اقتصادی مردم مصر، بلکه مشکلات اطرافیان را نیز حل نمودند و به مردم دیگر سرزمین‌ها نیز گندم دادند.

۲. **نظارت مستمر همراه با فعالیت در امور اقتصادی:** از دیگر عوامل برون‌رفت از مشکلات اقتصادی، نظارت مستمر همراه با جدیت و تلاش رهبران و مدیران در امور اقتصادی است. این نظارت مستمر به‌ویژه در فعالیت مهم اقتصادی و طرح‌های سازندگی لازم و ضروری است؛ یعنی همان‌طوری که حضرت سلیمان (سبأ، آیات ۱۲-۱۳)، حضرت یوسف (یوسف، ۵۵-۵۸) و حضرت ذوالقرنین (کهف، ۹۳-۹۷) و نیز در طرح سازندگی عظیم، نظارت مستقیم و مستمر داشتند با آن‌که پیامبر بودند، بر رهبران صالح جامعه است تا بر کارها و طرح‌های بزرگ نظارت مستقیم و مداوم داشته باشند. حضرت یوسف (ع) برای مقابله با بحران اقتصادی پیش روی مردم مصر دستورالعملی صادر کردند که هفت سال پی‌درپی کشت کنید و آنچه برداشت خواهید کرد - جز اندکی را که در این سال‌ها مخورید - در خوشه‌اش واگذارید تا فاسد نشود (یوسف، ۴۷). مفسران آیه را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که باید هفت سال پشت سر هم و به‌طور مستمر کشت و زرع کنید یا این‌که باید با جدوجهد و زحمت کشت و زرع کنید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ۲۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۹، ۴۲۷).

در مسائل اقتصادی تنها موضوع «تولید بیشتر» مطرح نیست، سیره عملی حضرت یوسف (ع)، بیانگر این نکته است که گاهی کنترل و نظارت بر مصرف از تولید هم مهم‌تر است و به همین دلیل حضرت یوسف (ع) در دوران حکومت خود سعی کرد در آن هفت سال وفور نعمت، مصرف را به‌شدت کنترل کند تا بتواند قسمت مهمی از تولیدات کشاورزی را برای سال‌های سختی که در پیش بود، ذخیره کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۰، ۱۱).

۳. **پیش‌بینی و برنامه‌ریزی درست:** مدیریت بحران با محور دانایی ترکیبی از علم و هنر و عمل است. گام اول در مدیریت بحران برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی ابزاری



است که ما را از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب می‌رساند. لذا اولین قدم برای برنامه‌ریزی صحیح، تبیین و شناخت وضعیت موجود هست که نیاز به‌واقع بینی دارد تا خوش‌بینی. مدیران موفق همان‌طوری که در کلیات دخالت می‌کنند باید در برنامه‌ریزی مشارکت داشته باشند؛ زیرا بدون برنامه‌ریزی نمی‌توان امیدوی به برون رفت از مشکلات به‌ویژه بحران‌های عظیم اقتصادی داشت (یوسف، آیات ۴۷ - ۴۸؛ کهف، آیات ۹۳ - ۹۷؛ سبأ، آیات ۱۲ - ۱۳). پس از برنامه‌ریزی (کوتاه‌مدت و بلندمدت)، یک دوره هفت‌ساله پر بارش و فراوانی، در هفت سال قحطی و خشک‌سالی، به‌خوبی از اداره یک مملکت بحران‌زده برمی‌آید که این نتیجه یک برنامه ریزی دقیق و مدون از سوی حضرت یوسف (ع)، هست.

حضرت یوسف (ع) با پیش‌بینی صحیح بحران اقتصادی خشک‌سالی و تدبیر صحیحی که برای مقابله با آن به‌کاررفته بردند، این راهبرد را در نظر گرفتند که آینده‌نگری و برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با مشکلات اقتصادی جامعه، لازمه مدیریت کشور است (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۴، ۲۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۹، ۴۲۸).

۴. ذخیره‌سازی کالاهای اساسی و راهبردی برای مقابله با بحران‌های طبیعی اقتصادی: حضرت یوسف (ع) برای مقابله با بحران اقتصادی خشک‌سالی دستور دادند که گندم که جزء کالاهای اساسی و راهبردی مردم مصر محسوب می‌شود، در انبارها ذخیره شود، مگر اندکی که آذوقه آن گوش‌به‌زنگ برای خوردن است. این راهبرد به این معناست که حضرت واردات کالاهای اساسی را برای عبور از بحران پاسخگو نمی‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ۲۵۹-۲۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۹، ۴۲۶).

۵. نگهداری صحیح محصولات کشاورزی برای جلوگیری از فاسدشدن آن‌ها: یوسف (ع) پس از دستور به ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی، دستور دادند که آنچه را درو می‌کنید، در خوشه‌هایش بگذارید و آن را نکوبید. علت این کار این بود که جانور نمی‌تواند داخل سنبله شود و در نتیجه گندم هر چه بماند خراب نمی‌شود، اما اگر آن را بکوبند و از سنبله جدا کنند، خیلی زود فاسد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ۲۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۹، ۴۲۸).

۶. مدیریت همراه با امانت‌داری: پس از آن که پادشاه مصر حضرت یوسف (ع) را مشاور و نماینده مخصوص خود کرد، یوسف می‌دانست یک علت مهم نابسامانی‌ها



ظلم و ستم در مسائل اقتصادی است؛ بنابراین از عزیز مصر تقاضا کرد او را خزانه‌دار مصر کند (یوسف، ۵۵) و این تعبیر حضرت یوسف که می‌گوید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلِي خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» دلیل بر اهمیت مدیریت در کنار امانت است و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به‌تنهایی برای پذیرش یک پُست حساس اجتماعی کافی نیست، بلکه علاوه بر امانت‌داری و تعهد، تخصص و مهارت مدیریت نیز لازم است، زیرا «علیم» را در کنار «حفیظ» قرار داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۰، ۱۰).

۷. توزیع عادلانه: یکی دیگر از راهبرها در مقابله با بحران، توزیع عادلانه ثروت است. توزیع یکی از شاخصه‌های مهم اقتصاد در هر جامعه‌ای است، به‌طوری‌که نسبت شایسته بین تولید، مصرف و توزیع در هر اقتصادی یک ضرورت به شمار می‌رود. حضرت یوسف (ع) منابع ثروت را در طول بحران در یکجا جمع و انبار نمود و پس از دوران بحران به‌صورت عادلانه در میان مردم توزیع کردند.

مدل سه مرحله بحران

الف) شاخص‌های قبل از بحران

در سیره عملی حضرت موسی (ع)، می‌توان از شاخص‌هایی جهت جلوگیری از بحران و عذاب الهی نام برد حضرت موسی (ع) همچون سایر پیامبران الهی اقداماتی را برای جلوگیری از بحران و عذاب الهی انجام دادند و در این راه از هرگونه ایشار و جان‌فشانی دریغ نکردند و از قوم خود حتی مقدار ناچیزی پاداش طلب نکردند و فقط به دنبال آن بودند که بتوانند قوم خود را از چاه ضلالت و گمراهی خارج و آن‌ها را به راه راست هدایت کنند و بدین ترتیب موجبات کمال و سعادت دنیا و آخرت آن‌ها را فراهم کنند. شاخص‌های قبل از بحران عبارت‌اند از:

هدایت و تربیت

یکی از وظایف مدیران هدایت و کنترل منابع (انسانی و غیره) در جهت اهداف تعیین شده هست به‌عبارت‌دیگر مدیران با هدایت و کنترل منابع خود اعم از منابع انسانی و غیرانسانی را در مسیر درست هدایت می‌کنند، حضرت موسی (ع) همچون سایر پیامبران الهی با کمک خداوند و ابزارهایی چون وحی و کتاب آسمانی نسبت به هدایت و تربیت قوم خود اقدام کرد تا آن‌ها را از ضلالت و گمراهی برهاند و به راه راست (صراط مستقیم) هدایت کند و موجبات کمال و سعادت آن‌ها را فراهم آورد.



از این رو، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که قرآن یک مرجع کامل و جامع برای مدیران است و می‌توان اصول و وظایف مدیریتی را از آن استخراج کرد (مولایی نیا، نجات‌بخش اصفهانی، ۱۳۹۶: ۶۴).

موعظهٔ حسنه

یکی دیگر از اقدامات مدیران، قبل از وقوع بحران این است که افراد را نسبت به پیامدهای کارها و رفتار نادرست آن‌ها آگاه کنند و آن‌ها را از انجام کارهای نادرست و خطا بر حذر دارند تا سازمان دچار بحران نگردد در داستان حضرت موسی (ع) درمی‌یابیم که حضرت موسی (ع) به قوم خود تذکر داد که از انجام کارهای نادرست و شرک‌آمیز دوری کنند تا مورد خشم و غضب خداوند قرار نگیرند اما متأسفانه قوم حضرت موسی (ع) با پرستش گوساله سامری از راه هدایت منحرف و به گمراهی و ضلالت کشیده شدند و مشمول عذاب الهی شدند.

بیدار کردن وجدان

اگر یک مدیر را همچون مربی برای هدایت و تربیت کارمندان در نظر بگیریم یکی از مسئولیت‌های مهم آن مربی این است که از هر موقعیتی برای غفلت زدایی کارمندان استفاده کند زیرا یکی از مهم‌ترین آفت‌ها غفلت و گمراهی است که باعث عدم موفقیت فرد و سازمان می‌شود از این رو لازم است که مدیران با استفاده از وسایل و امکانات مختلف کارمندان خود را از خواب غفلت بیدار کنند. حضرت موسی (ع) نیز همچون مربی قوم خود در هر موقعیتی نسبت به بیدار کردن وجدان قوم خود اقدام کرده است تا بتواند پرده‌های گمراهی را از جلوی چشمان قوم خود کنار بزند مصداق این نکته در زمانی که قوم حضرت موسی (ع) از ایشان درخواست بت برای پرستش کردند مشهود است حضرت موسی (ع) باینکه "به‌جز خدای می‌جویم شمارا خدای؟" درصدد این بود که با ارائه یک سؤال استفهام انکاری وجدان آن‌ها را بیدار کند و آن‌ها را متوجه اشتباه خود گرداند.

ارائه برهان منطقی و عقلی

امروزه ثابت‌شده که روش‌های دستور دهی - فرمان‌برداری دیگر کار آیی و اثربخشی لازم را ندارد و سازمان‌ها و به‌تبع آن مدیران می‌بایست با استدلال و استنتاج‌های عقلی و منطقی کارمندان خود را به‌سوی اهداف تعیین‌شده سوق دهند

این نکته مهم در داستان هدایت بنی اسرائیل توسط حضرت موسی (ع) مشهود و بارز است. حضرت موسی بعد از این که قومش از ایشان طلب بتی برای پرستش کردند با به کار بردن عبارتهایی چون "شما قومی جاهل هستید" و یا "ایشان گمراه‌اند" می‌خواست این نکته را به قوم خود متذکر شود که چگونه بعد از آن همه معجزه و دلایل منطقی و عقلی برای اثبات وجود خداوند دوباره آن‌ها جهالت را سرلوحه کار خود قرار دادند و از حضرت موسی طلب بت برای پرستش کردند.

یادآوری الهی الطاف

یکی از مهم‌ترین راه‌کارها برای از جلوگیری از بروز بحران آن است که مدیران تمامی تلاش‌ها و کوشش‌ها و اقداماتی را که برای جلوگیری از وقوع بحران انجام دادند را به کارمندان خود یادآوری کنند و به آن‌ها اکیداً توصیه کنند که از تلاش‌ها و اقداماتی که انجام شده پند و عبرت بگیرند تا در آینده و در اثر غفلت دچار همان بحران‌ها اما با شکل و ظاهری جدید نشوند این امر در داستان قوم بنی اسرائیل مشاهده می‌شود به طوری که حضرت موسی (ع) با به کار بردن عبارتی چون "به جز خدای می‌جویم شما را خدای؟ همان خدایی که شما را برجهانیان (مردم عصر خود) برتری داد" درصد آن بود که الطاف الهی را به قوم خود یادآوری کند تا از بروز بحران جلوگیری نماید (مولایی نیا، نجات‌بخش اصفهانی، ۱۳۹۶: ۶۵).

در خصوص بحران اقتصادی قبل از بحران، حضرت یوسف (ع) با تصدی مقام خزانه‌داری، در هفت سال اول، علاوه بر پیش‌بینی و برنامه‌ریزی، دستور به انباشتن اذوقه داد.

ب) شاخص‌های مدیریت حین بحران

مناظره و بیان حکمت

یکی از مؤثرترین و کاربردی‌ترین روش‌ها در به ثمر رسیدن یک نتیجه مطلوب آن است که مدیران با افراد خاطمی که باعث ایجاد بحران در سازمان شده‌اند به مناظره بپردازد و از روش‌ها غیرمعمول که فقط منجر به عصبانیت می‌گردد پرهیز نمایند این روش مناظره کمک می‌کند که عوامل مؤثر در بروز بحران شناسایی شوند و با توجه به آن‌ها بتوان از بروز بحران‌های آتی جلوگیری به عمل آورد. حضرت موسی (ع) پس



از این که از میقات برگشتند با مشاهده بت پرستی قوم خود با آن‌ها به مناظره پرداخت تا آن‌ها به اشتباه خود پی ببرند.

با فرارسیدن هفت سال قحطی، طی برنامه منظمی در سال اول، در قبال پول نقد بخشی از آذوقه‌ها را به مردم و ثروتمندان فروخت. در سال دوم، آذوقه‌ها را با طلا و جواهر معاوضه کرد. در سال سوم، در قبال حیوانات اهلی، سال چهارم، در قبال غلام‌ها و کنیزها، در سال پنجم، در مقابل املاک و خانه‌ها، در سال ششم، به ازای مزارع، باغ‌ها و در سال هفتم، در قبال تعهد کارها و خدمات افراد بدان‌ها آذوقه داد.

استعانت از خداوند

در طوفان انحراف‌های جامعه، رهبران به دعا و لطف الهی بیش از دیگران نیازمندند (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۳، ۱۸۰). مصداق این عبارت مهم و خطیر در داستان گمراهی قوم حضرت موسی (ع) و در زمانی که هارون موسی را متوجه کرد که این عمل او باعث خواری وی می‌شود و قوم به اشتباه می‌افتند مشهود و بارز است.

۱. حاکمیت و قاطعیت الهی

یکی از اصلی‌ترین و شاید بتوان گفت مهم‌ترین اصل در زمان مهار و کنترل بحران، بازخواست و مجازات خاطیان آن است در این امر تأکید می‌شود که قوانین بدون توجه به وابستگی‌ها و زد و بندهای موجود اجرا شود، قرآن به صراحت حاکمیت و قاطعیت الهی را در داستان‌های مختلف همچون مجازات همسر حضرت لوط (ع) بیان می‌کند. در داستان گمراهی قوم حضرت موسی مشاهده می‌کنیم که حضرت موسی (ع) پس از بازگشت از میقات و مشاهده بت پرستی قوم خود ریش و موی حضرت‌والا را گرفته و آن را مورد مواخذه قرار می‌دهد البته لازم به ذکر است که حضرت هارون (ع) در گمراهی قوم بنی اسرائیل بی‌گناه بوده اما نکته مهم در این نهفته است که وقتی حضرت موسی (ع) گمراهی قوم را دید حتی برادر خود را نیز مواخذه کرد و به‌طور کلی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که وابستگی به پیامبران الهی (ع) سبب نمی‌گردد که از عذاب الهی دور بمانند.

اعمال رفتار قاطعانه

مهم‌ترین رکن در برخورد با بحران و عوامل بحران‌زا اعمال رفتار قاطعانه است؛ زیرا نباید کارمندان این‌گونه بیندارند که بحران ایجاد شده کم‌ارزش است این امر (اعمال



رفتار قاطعانه) حتی در زمانی که بحران ایجاد شده ضررهایی کمی را برای سازمان متحمل می‌شود نیز باید اعمال شود تا سبب نشود که کارمندان همین منوال را ادامه داده و باعث بروز بحران‌های بعدی شوند. در داستان حضرت موسی مشاهده می‌کنیم که قرآن حالت حضرت موسی را غضبان توصیف می‌کند که این نشان‌دهنده اعمال رفتار قاطعانه آن حضرت در خصوص بحران ایجاد شده (شرک‌ورزی و پرستش بت) است (مولایی نیا، نجات‌بخش اصفهانی، ۱۳۹۶: ۶۶).

ج) شاخص‌های مدیریت پس از بحران بازخواست

یکی از اصول مدیریت پس از بحران آن است که عوامل بحران‌زا مورد بازخواست قرار بگیرند تا عمدی و یا سهوی بودن اعمال خاطیان مشخص گردد. همان‌طور که قرآن بیان می‌دارد حضرت موسی (ع) پس از بازگشت و مشاهده انحراف قوم هم مردم و هم حضرت هارون (ع) و هم سامری را مورد بازخواست قرار می‌دهد تا گناه و یا بی‌گناهی افراد را مشخص کند.

شناخت عامل ایجادکننده بحران

شناخت عامل ایجادکننده بحران یکی از مهم‌ترین و به عبارت بهتر اصلی‌ترین اقدام مدیران هست زیرا مشخص شدن عامل ایجادکننده بحران به شناسایی علت ایجاد بحران کمک می‌کند. در داستان حضرت موسی (ع) مشاهده می‌کنیم که آن حضرت (ع) پس از ثابت شدن بی‌گناهی حضرت هارون (ع) و شناسایی سامری به‌عنوان عامل ایجادکننده بحران شروع به بازجویی از سامری کرد (مولایی نیا، نجات‌بخش اصفهانی، ۱۳۹۶: ۶۶).

حضرت یوسف (ع) با تصدی مقام خزانهداری، در هفت سال اول، دستور به انباشتن آذوقه داد. با فرارسیدن هفت سال قحطی، طی برنامه منظمی در سال اول، در قبال پول نقد بخشی از آذوقه‌ها را به مردم و ثروتمندان فروخت. در سال دوم، آذوقه‌ها را با طلا و جواهر معاوضه کرد. در سال سوم، در قبال حیوانات اهلی، سال چهارم، در قبال غلام‌ها و کنیزها، در سال پنجم، در مقابل املاک و خانه‌ها، در سال ششم، به ازای مزارع، باغ‌ها و در سال هفتم، در قبال تعهد کارها و خدمات افراد بدان‌ها آذوقه داد.



بنابراین، این‌گونه خزانه دولت از پشتوانه محکمی برخوردار شد و دست ثروتمندان از هرگونه حرکت مخرب اقتصادی بسته شد؛ زیرا نقدینه‌ای نداشتند تا با آن فساد اقتصادی کنند. مطابق آیه هفت سوره حشر، ثروت‌های بزرگ که در دست متصرفین و زورداران باشد، عامل فساد اقتصادی است. یوسف (ع) با برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده‌ای هرچند بلندمدت، پول را از چنگ آنان درآورد.

عدالت اجتماعی حضرت یوسف (ع)، فاصله فقیر و غنی را بسیار کم کرد و آرامش را برای مردمان آن سرزمین به ارمغان آورد. وی با اجرای اصل عدالت اقتصادی، موفقیت بزرگی در دست یافتن مردم به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه به دست آورد. روشن است اگر مدل حضرت (ع) را که شامل (۱) ذخیره‌سازی (۲) مصرف در حد نیاز (۳) فروش اضافه‌تولید، در سال‌های غیر قحطی موردتوجه و عمل جوامع انسانی قرار گیرد، میزان تولید افزایش یافته و ثروت و ذخایر ملی رو به صعود می‌نهد در این صورت، عرضه و تقاضا در نظام حکومت دینی در بازاری شکل می‌گیرد که اصل رفتاری آن بر تعاون در خیرات یا رقابت سالم باشد، نه رقابت دنیوی. دولت دینی با ملاک مصالح فرد و جامعه، در بازار دخالت و از احتکار، انحصار و گران‌فروشی جلوگیری می‌کند. دولت دینی موظف است از احتکار جلوگیری کرده و محتکران را وادارد که کالای خود را به قیمت بازار عرضه کنند.

در پایان می‌توان افزود که حضرت (ع) در مدیریت بحران اقتصادی و اجتماعی، برنامه چهارده‌ساله را برای مبارزه با فساد اخلاقی، اجتماعی و برقراری عدالت اجتماعی طراحی کرد. آن حضرت دارای مقام خزانه‌داری با ویژگی‌هایی همچون: مکین، امین، حفیظ و علیم برنامه‌ریزی حساب‌شده برای جلوگیری از قحطی با ذخیره سازی، مصرف در حد نیاز و فروش تولید اضافی در سال‌های قحطی اجرا کرد. حکومت یوسف (ع)، سرلوحه برنامه خود را اصلاح نفس قرارداد. وی همواره بر پرستش خدا و مبارزه با نفس تأکید داشت. آن حضرت، توانست حکومتی الهی با رعایت شناخت مقتضیات زمان، به اصلاحات اقتصادی روی آورد و با برنامه‌ریزی بلندمدت و کارشناسی شده، موفق به عبور از بحران اقتصادی شود. یوسف (ع) امور اجتماعی و اقتصادی را به مبانی عقیدتی و خداباوری پیوند می‌زد. این ویژگی‌ها، او را به‌عنوان یک مصلح توحیدی نشان می‌دهد. از این‌رو، نگاه توحیدی و خداباوری در

شناخت و تحلیل پدیده‌های اجتماعی، رکن مدیریت دینی و منشور آن محسوب می‌شود. یوسف (ع) که تمام افعال خود را بر محور توحید و مبارزه با نفس تنظیم کرده بود، وقتی به حکومت دست‌یافت، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را در برنامه اصلی خود قرارداد. حضرت یوسف نشان داد که حکومت دینی توان گسترش فرهنگ توحیدی و تعالی انسان و اصلاح امور اجتماعی و اقتصادی و معیشت انسان را مورد توجه، شناخت و مدیریت قرار دهد. وی نشان داد که معیشت و امور دنیوی در کنار امور معنوی، همچون دو بال یک پرنده هستند. برنامه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی حضرت یوسف (ع) در قالب یک جریان تمدن ساز تدوین و اجرا گردید (منتظر القائم و سلیمانی، ۱۳۹۳: ۱۸).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی مدیریت بحران اقتصادی در سیره حضرت یوسف (ع) هست.

بحران خشک‌سالی و قحطی، از جمله بحران‌هایی است که قرآن کریم گزارش کرده است. خداوند گزارش این بحران را در آیات ۴۳ تا ۵۵ سوره یوسف بیان کرده است. مدل مدیریت بحران حضرت یوسف (ع) عبارت‌اند از:

پیش‌بینی، تصمیم‌گیری، تلاش مستمر برای تولید، ذخیره‌سازی کالاهای اساسی، تدبیر و برنامه‌ریزی برای دوران بحران، مصرف به‌اندازه نیاز، توزیع درست و کنترل مصرف از مهم‌ترین راهبردهای قرآنی برای مدیریت بحران‌های اقتصادی در سیره حضرت یوسف پیامبر (ع) هستند.

امنیت اقتصادی درگرو مدیران متخصص و متعهد است که با برنامه‌ریزی دقیق و علمی و پیش‌بینی‌های سنجیده و به‌موقع بتوان بحران را مدیریت نمود. لذا حضرت یوسف (ع) خود را به‌عنوان دانا به علم مدیریت از جمله مدیریت بحران معرفی می‌کند و از آنجاکه محافظت بر همه محصولات زمینی در گذر از بحران، بسیار مهم است خود را حفیظ معرفی می‌کند و می‌گوید با این دو شرط است که می‌توان از بحران‌هایی از این دست عبور کرد؛ به عبارت دیگر، موفقیت در مدیریت بحران مخصوصاً بحران‌های اقتصادی، تدبیر امور باکسانی است که از نظر علمی متخصص و از نظر تعهدات اخلاقی و انسانی، حفیظ و نگه‌دارنده و امین باشند. پیام آیات سوره یوسف (ع) این است که



رهبران جامعه و سازمان باید همیشه آمادگی لازم را داشته باشند، حتی اگر احتمال وقوع بحران بسیار اندک باشد. آن حضرت تمام مراحل در چرخه مدیریت را به شکل برنامه‌ریزی شده‌ای مدیریت کرد و همه اهداف را با یک برنامه‌ریزی دقیق و با محقق ساخت. حضرت بحران خشک‌سالی و قحطی را به گونه‌ای مدیریت کرد که نه تنها مردم مصر، بلکه ملت‌های دیگر نیز برای برآوردن نیازهای خویش به مصر رفتند و از محصولات آنجا برای رهایی از بحران اقتصادی بهره‌مند شدند. شاید بتوان گفت که مدیریت حضرت یوسف (ع) یک مصداق از مدیریت جامع و کامل است که می‌تواند الگوی خوبی برای مدیران و سازمان‌های امروزی باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه بهرام پور

۱. آریانپور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۷)، فرهنگ پیشرو آریانپور، تهران، جهان رایانه.
۲. اعرابی، غلامحسین و همکاران (۱۳۹۸)، مدیریت اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی با تکیه بر سیره حضرت یوسف (از نگاه مفسران فریقین) دو فصلنامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، سال چهارم، شماره سوم، شماره پیاپی ۹.
۳. امیرکبیری، علیرضا (۱۳۸۱) مدیریت استراتژیک. تهران: نگاه دانش.
۴. تقوایی، مسعود؛ علیزاده، جابر (۱۳۹۱)، استراتژی‌های مدیریت بحران کاربری‌های مسکونی در روستا-شهرها (نمونه: روستا-شهر اصل اندوز، استان اردبیل)، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۸.
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۶۹)، فرهنگ اندیشه نو، ترجمه گروهی، ویراستار، ع پاشایی، تهران، انتشارات مازیار.
۶. حبیب زاده ملکی، رضا، جوادیان (۱۳۸۹)، راهبردهای رسانه‌ای در مدیریت بحران، فصلنامه توسعه، سال ۵، ش ۱۸.
۷. دایرةالمعارف جامع اسلامی (۱۳۸۹)، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.



۹. روزنامه کیهان، شماره ۲۱۵۴۸ به تاریخ ۹۵/۱۱/۱۰، (معارف).
۱۰. روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۷)، نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت، پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۱۵، شماره ۵۵.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، (۲۰ جلدی) جلد ۶، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ: ۵.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۷۸)، فرهنگ فارسی عمید (دوجلدی)، جلد ۱، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۵.
۱۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، (۱۰ جلدی)، جلد ۳، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ ۱.
۱۴. کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۶) مدیریت بحران‌های بین‌المللی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۵. کمالی، یحیی، میرزائی، جلال (۱۳۹۶)، مقایسه ساختار مدیریت بحران در ایران، ژاپن، هند و ترکیه، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۵.
۱۶. محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۸۱) اصول کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.
۱۷. محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۱)، مدیریت بحران در قرآن کریم: بررسی سیره نبوی در نبرد احزاب، نشریه ره‌آورد سیاسی، سال ۹، شماره ۳۵.
۱۸. محمدیه، حسین، قاسم پور، محسن (۱۳۹۴)، واکاوی مفهوم بحران در گفتمان قرآنی، معرفت، سال ۲۴، ش ۲۱۴.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴) مجموعه آثار، جلد ۲، تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، (۲۸ جلدی)، جلد ۴، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ: ۱۰.
۲۱. منتظر القایم، اصغر، سلیمانی، زهرا (۱۳۹۳)، تمدن‌سازی انبیا ابراهیمی؛ مدیریت اقتصادی و عدالت اجتماعی با تأکید بر حکومت حضرت یوسف (ع)، معرفت ادیان سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۸).



۲۲. مولایی نیا، عزت‌الله، نجات‌بخش اصفهانی، علی (۱۳۹۶)، تدوین شاخص‌های مدیریت بحران با رویکرد خارج‌سازی قرآن از مهجوریت، نشریه علمی پژوهشی مدیریت فردا، سال ۱۶.

۲۳. ودادی، احمد و همکاران (۱۳۸۹)، هوش سازمانی و مدیریت بحران، فصلنامه مدیریت کسب‌وکار، سال دوم، ش ۵.

۱. Mc Conkey, Dale; "Planning for Uncertainty"; *Business Horizons Journal*; Vol ۳۰; ۱۹۸۷. P. ۴۰-۴۵.
۲. <http://www.msn.com/Encarta World English Dictionary>
۳. <http://www.amaher.ir>
۴. <http://www.msn.com/Encarta World English Dictionary>
۵. Robert, Jonathan, ۱۹۸۸, *Decision-Making during International Crisis*, London, Macmillan Press.
۶. Merriam Webster, ۲۰۰۶, Springfield, Massachusetts, p. ۲۹۶